



مهر امیدبخش

دکتر عظیم محبی
دکترای علوم تربیتی

شروع سال تحصیلی در مهر ماه برای معلمان و همکاران مدرسه‌ای به مثابه تولدی دوباره است، چون با دانش آموزانی روبه‌رو می‌شوند که در حال رشد و تعالی هستند. لذا تلاش می‌کنند با خودآموزی و خوداندیشی خود را در مرحله‌نوسازی قرار دهند تا بتوانند الگویی خوب برای رشد و تعالی دانش آموزان باشند. چون به خوبی می‌دانند «تعلیم و تربیت دانش آموزان صرفاً کاری علمی و مکانیکی نیست که بر اساس قواعد و اصول مشخص انجام شود، بلکه یک مقوله فرهنگی است» (آرانی، ۱۳۹۸) و با کل مؤلفه‌های فرهنگی جامعه در ارتباط است. با این همه پیچیدگی، معلمان و همکاران مدرسه در سال‌های اخیر با دو چالش بزرگ روبه‌رو شده‌اند:

۱. آموزش مجازی در دوران کرونا
۲. آموزش حضوری در دوران پسا کرونا

آموزش مجازی در دوران کرونا با همه سختی‌های آن برای معلمان تجربه‌ای ارزشمند تلقی می‌شود، چون زمینه‌ای فراهم شد تا مهارت‌های فناوری خود را تقویت کنند. اما نسبت به کیفیت یادگیری و تربیت دانش‌آموزان نگران بودند و مطمئن نبودند که اهداف نظام تعلیم و تربیت در ساحت‌های گوناگون در حد مطلوب تحقق پیدا کند. در هر صورت، این دوره خاص سپری شد. معلمان پیش‌بینی می‌کردند با حضوری شدن مدرسه می‌توانند این خلأهای درسی و تربیتی را جبران کنند. سال تحصیلی گذشته را با این پیش‌فرض، آغاز کردند، اما با مشاهده رفتار دانش‌آموزان، کم‌کم پیش‌فرض‌های آن‌ها با تردید روبه‌رو شد. چون دریافتند، علاوه بر کاهش سطح یادگیری، دانش‌آموزان از نظر مهارت‌های اجتماعی، اخلاقی و... دچار آسیب‌هایی شده‌اند.

لذا با برگزاری جلسات متعدد تلاش کردند راهکارهایی را طراحی و اجرا کنند که این آسیب‌ها برطرف شوند.

بعضی از مدرسه‌ها توانستند با شناخت بهتر شرایط محیطی و نیازهای دانش‌آموزان فرایند تعلیم و تربیت را در ابعاد علمی، اجتماعی، اعتقادی و... به خوبی هدایت کنند. اما در خیلی از مدرسه‌ها این روند با چالش‌هایی روبه‌رو شد. بعضی از معلمان در فرایند تدریس خود با دانش‌آموزانی روبه‌رو شدند که انگیزه درس خواندن به شیوه حضوری را از دست داده بودند و تمایل داشتند با همان شیوه مجازی آموزش ببینند. بعضی از دانش‌آموزان نسبت به فعالیت‌های فرهنگی مدرسه و انگیزه نشان نمی‌دادند و تمایل داشتند در دنیای ذهنی خود سیر کنند. معلمان با رهبری مدیران توانستند بر اساس رویکرد پژوهش‌های کیفی (اقدام پژوهی و...) راهکارهایی برای حل این شرایط طراحی و آن‌ها را به کار بگیرند.

با این همه شور و اشتیاق، با موج هوای ناسالم، مدرسه‌ها به طور ناخواسته تعطیل شدند. لذا چالش‌هایی جدید برای مدرسه به وجود آمد. مدرسه بر اساس تجربه‌های آموزش مجازی توانست با سرعت شرایط کلاس‌های مجازی را فراهم کند. اما در خصوص تربیت ابعاد اجتماعی و اخلاقی دوباره نگرانی‌ها آغاز شدند. با عادی شدن شرایط هوا و بازگشایی مدرسه‌ها، فعالیت‌های فرهنگی مجدداً بازآفرینی شدند و معلمان و مربیان با احساس مسئولیت و عشق به تربیت، تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا در این مسیر قدم‌های مثبتی بردارند.

در کنار تلاش‌های ارزشمند معلمان و دیگر همکاران مدرسه در به‌کارگیری روش‌های خلاقانه در تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان در شکل‌گیری هویت اسلامی، انقلابی، ملی و... شاهد اجرای قانون رتبه‌بندی معلمان بودیم. تصویب قانون و اجرای آن برای معلمان نویدبخش و امیدآفرین بود. اما این قانون در عمل به گونه‌ای اجرا شد که رضایت کامل معلمان را در پی نداشت. سنجش صلاحیت‌های حرفه‌ای یکی از اصول شناخته‌شده در ارتقای کیفی نظام تعلیم و تربیت شناخته می‌شود. اما معلمان وظیفه اصلی خود را زمینه‌سازی برای یادگیری و تربیت دانش‌آموزان می‌دانند. لذا شاخص اصلی در ارزیابی و رتبه‌بندی آن‌ها باید ارزیابی در کیفیت این وظیفه باشد و شاخص‌هایی چون تألیف و مقاله را مناسب نمی‌دانند.

معلمان فرهیخته این سرزمین امید دارند که مسئولان آموزش و پرورش با تدبیر لازم، ضمن رفع اشکال‌های فرایند اجرای قانون رتبه‌بندی، دیگر مشکلات مربوط به حوزه کاری آن‌ها را نیز به خوبی بشناسند و حل کنند تا بتوانند بر اساس سخنان امیدبخش مقام معظم رهبری، زمینه تحول آموزش و پرورش را فراهم آورند.

کاری که معلم بر عهده گرفته (معلم متعهد)، به نظر من، مهم‌ترین کار در کشور، یعنی تربیت و تعلیم نونهالان کشور، به معنی ساختن آینده کشور است. معلم در واقع معمار آینده کشور است. امروز شما دارید فردای کشور را می‌سازید. اگر بتوانید انسانی آگاه، عالم، اهل فکر، متفکر، اهل منطق، ایمان، بااراده، متشعر، پایبند به اخلاق اسلامی و پایبند به تعهدات ملی تربیت کنید، بزرگ‌ترین خدمت به کشور صورت گرفته است.

بر اساس این سخنان عمیق، سؤال کلیدی آن است که برای تربیت نسلی با ویژگی‌های ذکر شده، کدام رویکرد باید در دستور کار معلمان و مدیران مدرسه قرار گیرد؟ به نظر می‌رسد رویکرد بیان‌شده در برنامه درسی ملی می‌تواند زمینه‌ساز تربیت نسلی فکور را فراهم آورد؛ شکوفایی ظرفیت‌های وجودی دانش‌آموزان (فطرت) از طریق درک و اصلاح موقعیت (برنامه درسی ملی، ص ۱۱).

برای درک و اصلاح موقعیت (با تأکید بر فراموقعیت، یعنی خداوند) دانش‌آموزان باید شایستگی‌های لازم را کسب کنند. یکی از مهم‌ترین شایستگی‌ها، تفکر و تعقل است. تفکر و تعقل فعالیت بسیار مهم و اساسی آدمی است که شرط انسانیت اوست و همه فعالیت‌های شنیدن، دیدن و مشاهده، و همچنین تولید صورت‌های ذهنی، مفاهیم و گزارش‌ها، استنتاج، ارزیابی، و تعمیم‌ها، ارجاع‌ها، اصلاحات و بازسازی‌های مکرر و بالاخره یقین و عمل را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب، تعقل هم ایمان و عمل و هم تولید و کسب علم را شامل می‌شود. ایمان صورت تقویت‌شده و تکمیل‌شده علم است. ایمان موجودیتی برابر علم نیست، بلکه مرتبه بالاتر علم است و عمل صورت آشکارشده آن به حساب می‌آید. پس ایمان همان علم یا مرتبه عالی علم است و عمل صورت آشکارشده ایمان.

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به منظور اجرای عملی این رویکرد و دیگر مفاد اسناد تحولی، «طرح کلان اصلاح نظام برنامه درسی» را در دستور کار خود قرار داده است. ابعاد این طرح کلان را در صفحه چهار مجله ملاحظه می‌فرمایید. ❁



اگر بتوانید انسانی آگاه، عالم، اهل فکر، متفکر، اهل منطق، با ایمان، با اراده، متشعر، پایبند به اخلاق اسلامی و پایبند به تعهدات ملی تربیت کنید، بزرگ‌ترین خدمت به کشور صورت گرفته است

پی‌نوشت

۱. دیدار با معلمان و مسئولان آموزش و پرورش، اردیبهشت سال ۱۴۰۲

منابع

۱. سرکار آرائی، محمدرضا (۱۳۹۸). درس پژوهی. انتشارات مرآت، تهران.
۲. برنامه درسی ملی (۱۳۹۱). انتشارات شورای عالی آموزش و پرورش.